

## عقود المرجان لحواشی القرآن

مرتضی نادری\*

### اشاره:

در این نوشتار، تفسیر عقود المرجان لحواشی القرآن، اثر سید نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۲ق)، معرفی می‌شود. این کتاب بر اساس نسخه خطی منحصر به فردی، به دست محققان مؤسسه «شمس الضحی» تصحیح شده؛ لیکن تاکنون به چاپ نرسیده است. نگارنده در این مقاله، می‌کوشد تا ضمن به دست دادن شرح حال کوتاهی از مؤلف تفسیر، اثر یاد شده را معرفی کند و روش کار وی را در این اثر بشناساند.

### ۱. مقدمه

دانشمندان مسلمان از دیرباز، بنابر انگیزه‌های گوناگون، شرح و تبیین آیات قرآن کریم را وجهه همّت خود قرار داده و برای به دست دادن تفسیری که ناگفته‌های مفسران پیشین را بازگوید و اقوال مورد نیاز تفسیرجویان را یکجا به آنان عرضه کند، دامن همّت به کمر زده و به قدر وسع و طاقت خود کوشیده‌اند. بی‌گمان، شناسایی این آثار و معرفی آنها به محققان و پژوهندگان و علاقه‌مندان، برای نسلهای بعدی -

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی.

که میراث بر آثار علمی پیشینیان به شمار می‌روند - امری است ضروری. مرحوم سید نعمت‌الله جزایری یکی از این دانشمندان است. بازخوانی شرح حال مرحوم جزایری نشان می‌دهد که ایشان عمر خود را در راه تعلیم و تعلّم، سپری کرده و فراگیری علوم مختلف اسلامی را به عنوان یکی از اهداف زندگی خویش برگزیده است. در این میان، وی به قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام توجه ویژه داشته و آثار چندی را در شرح و تفسیر کتابهایی روایی شیعه نگاشته است. عقود المرجان لحواشی القرآن کتابی است که او در تفسیر قرآن کریم، از خود به یادگار نهاده است. همان طور که پیشتر گذشت، این کتاب بر اساس نسخه خطی منحصر به فردی، به دست محققان مؤسسه «شمس الضحی» تصحیح شده؛ لیکن تاکنون به چاپ نرسیده است.

## ۲. معرفی اجمالی کتاب

عقود المرجان لحواشی القرآن، اثر سید نعمت‌الله جزایری، تفسیری است بر قرآن کریم به زبان عربی. مؤلف در این کتاب، تفسیر و تأویل قرآن را از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و اقوال مفسران گرد آورده و در کنار اینها به اختلاف قرائت و نکات ادبی و مواردی دیگر، اشاراتی کرده است. وی در مقدمه تفسیرش می‌نویسد:

پس از آنکه خدای سبحانه توفیق تألیف شروح کتابهای تهذیب و استبصار و توحید صدوق و نگارش کتاب انوار نعماتیه را ارزانی ام فرمود، عنایت الاهی مرا بر آن داشت تا بر اساس سخنان اهل الذکر علیهم‌السلام و اقوال دانشمندان مفسر، از تفسیر و تأویل قرآن، پرده بردارم و افزون بر اینها، از مسائل مهمّ مربوط به قرائت، نکات ادبی و تراکیب نحوی، یاد کنم و همه اینها را در حاشیه قرآن، بنگارم تا دسترسی بدانها برای خواننده، سهل و آسان باشد. (۳: ج ۱، ص ۲۹ - ۳۰)

مرحوم جزایری در مقدمه کوتاه خود بر این اثر، خاطر نشان می‌کند:

بدان که ما در حواشی این قرآن، بخشهایی از کلام مفسران را آورده‌ایم. شاید تو

گمان بری که این با آنچه اصحاب ما - رضوان الله علیهم - روایت کرده‌اند که «هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند و به حقّ برسد، باز هم خطا کرده است» (۷: ج ۱، ص ۸۰) منافات دارد. در این باره، حتی، اصحاب اخباری ما بر آن شده‌اند که قرآن، همه، متشابه است و تفسیر آن جز با حدیث، جایز نیست. من در پاسخ چنین گمانی می‌گویم: سخن حق در این مقام، همان است که شیخ طوسی - طاب ثراه - فرموده مبنی بر اینکه ناسازگاری نه در کلام خدای متعال رواست و نه در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام؛ چرا که او درباره کتاب خود فرموده است: «بلسان عربی» (الشعراء (۲۶) / ۱۹۵) و کسانی را که در قرآن، تدبیر نمی‌کنند، نکوهش کرده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرموده است: «إذا جاءكم عتی حدیث، فاعرضوه علی کتاب الله؛ هر گاه حدیثی از نزد من، به سویتان آمد، بر قرآن عرضه‌اش کنید.» پس چگونه می‌شود که چیزی از قرآن، فهمیده نشود؟

مرحوم شیخ طوسی، سپس، آیات قرآن کریم را به چهار بخش، تقسیم می‌کند:

۱. قسمی که علم آن تنها نزد خدای متعال است؛ مانند: «إنّ الله عنده علم الساعة».
۲. قسمی که همه آشنایان با زبان عربی، آن را در می‌یابند؛ لقمان (۳۱) / (۳۴). ۲. قسمی که همه آشنایان با زبان عربی، آن را در می‌یابند؛ مانند: «قل هو الله أحد».
۳. قسمی که مجمل است و ظاهر آیه از معنای آن، خبر نمی‌دهد؛ مانند: «واقیموا الصلاة».
۴. تفصیل این گونه آیات را جز از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمی‌توان آموخت.
۴. قسمی که لفظ بین دو معنی و بیشتر، مشترک است که در این گونه آیات، تعیین مراد خداوند به طور قطعی، جز به وسیله نصّ، روا نیست. بنابراین، نهی از تفسیر قرآن با رأی، تنها متوجّه قسم نخست، و قسم سوم و چهارم در صورت اراده تفصیل، خواهد بود. (۹: ج ۱، ص ۵-۶؛ ۳: ج ۱، ص ۲۹-۳۰)

باری، عقود المرجان در ۵ مجلد و به دست محققان مؤسسه فرهنگی «شمس الضحی» تصحیح و مدرک‌یابی شده است. محققان این مؤسسه درباره روش تصحیح خود می‌نویسند:

در تصحیح این اثر نفیس، به نسخه منحصر به فرد علامه سید محمد تقی بن احمد موسوی حکیم [از نوادگان مؤلف]، اعتماد و مصادری را که مرحوم

مؤلف از آنها نقل کرده، کاملاً مشخص و تصحیفات و دگرگونیها و افتادگیها را تصحیح و موارد ناخوانا در نسخه را با «...» معلوم کرده و عباراتی که افزودن آنها را لازم دیده‌ایم، میان دو قلاب آورده‌ایم. (همان: ۲۷ - ۲۸)

تصحیح و تحقیق این اثر در محرم الحرام ۱۴۲۵ ق به پایان رسیده است. (همان: ۲۸)

### ۳. شرح حال مؤلف

مرحوم جزایری خود در پایان کتاب الأنوار النعمانیة بخشهایی از زندگی‌نامه‌اش را آورده است. وی این شرح حال را در زمان به انتها رسیدن نگارش کتاب یاد شده، یعنی ۳۹ سالگی، نگاشته است.

بنابر مندرجات این زندگی‌نامه خود نوشت، سید نعمت‌الله بن عبدالله حسینی جزایری در سال ۱۰۵۰ هجری، در قریه صباغیه از سرزمین جزائر در نزدیکی بصره، زاده شده است. وی در ۵ سالگی روانه مکتب می‌شود و در مدت شش ماه، خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد و قرآن کریم را از آغاز تا انجام، قرائت می‌کند و اشعار و قصاید بسیاری را می‌خواند و می‌آموزد. او سپس به یادگیری علوم ادبی، می‌پردازد و کتابهایی مانند الأمثلة، التصریف، الشافیة، الکافیة، الفیة ابن مالک و شرح جامی رانزد استادان، درس می‌گیرد. نعمت‌الله برای طلب علم و بهره‌گیری از استادان، از روستای محل زندگی‌اش به شهرهایی همچون هویزه و شیراز، سفر می‌کند و بیشتر عمر دانش‌آموزی‌اش را در مدرسه منصوریه شهر شیراز می‌گذراند. وی درباره استادان و دروسی که در این مدرسه فراگرفته است، می‌نویسد:

فقرات علوم العربیة عند رجل فاضل من أهل البغداد، و الأصول عند رجل محقق من أهل الأحساء، و المنطق و الحکمة عند المحققین المدققین شاه أبي الولي و میرزا إبراهيم، و علم القراءة عند رجل فاضل من أهل البحرين. و کنا جماعة نقرأ عند الشيخ الجلیل الشيخ جعفر البحرانی. و کنت أنا أسمع ذلك الدرس بقراءة غیري. فإذا أتينا إلى ذلك الشيخ، فکلّ



من يجلس قبل يقول له: اقرأ، حتى يجلس القارئ. و كان يشجعنا على  
الدرس و على فهم معناه من المطالعة و يقول لنا: إن الأستاذ إنما هو  
للتيمّن و التبرّك، و إلّا ففهم الدرس و تحقيق معناه إنما هو من مطالعة  
التلميذ.

وی در همین اوقات، تألیف کتاب مفتاح اللبیب علی شرح التهذیب را در علم  
نحو، آغاز می‌کند (متن این شرح از شیخ بهایی است) و شرحی بر الکافیّه  
ابن حاجب می‌نگارد. مرحوم جزایری پس از مدّتی، روانه اصفهان می‌شود و محضر  
مرحوم علامه محمدباقر مجلسی را درک می‌کند و نزد وی حدیث می‌آموزد. سید  
نعمت‌الله هشت سال در اصفهان می‌ماند و روزگارش را به تدریس و تدرّس  
می‌گذراند. او به عتبات عالیات نیز سفر می‌کند و نگارش شرح خود را بر صحیفه  
سجّادیّه در عتبات به پایان می‌رساند. (نک: ۲: ج ۴، ص ۳۰۲ - ۳۲۶)

سید نعمت‌الله در ۲۳ شوال سال ۱۱۱۲ قمری، دیده از جهان فرو می‌بندد. (۱۰:  
ج ۲، ص ۳۳۱ - ۳۳۲) مدفن او در پل دختر کرمانشاه است. (۳: ج ۱، ۲۴)

#### ۴. آثار مرحوم جزایری

فهرست برخی از آثار مرحوم جزایری به نقل محققان و مصححان کتاب  
عقود المرجان چنین است:

۱. الإجازات (اجازاتی که برای شاگردان و معاصران خود نوشته است).
۲. الأنوار النعمانیّة فی بیان معرفة النشأة الإنسانیّة.
۳. أنیس الفرید - أو أنیس الوحید - فی شرح التوحید. (نام دیگر این کتاب نورالبراهین  
است.)
۴. الأيام النحسة و السعیة.
۵. تحفة الأسرار فی الجمع بین الأخبار.
۶. الجواهر الغوالی فی شرح عوالی اللالی.

٧. حاشية الاستبصار.
٨. حاشية أمل الآمل.
٩. حاشية توحيد الصدوق.
١٠. حاشية زبدة البيان.
١١. حاشية شرح ابن أبي الحديد على نهج البلاغة.
١٢. حاشية شرح الجامي.
١٣. حاشية شرح اللباب.
١٤. حاشية الصحيفة الكاملة.
١٥. حاشية مغني اللبيب عن كتب الأعراب.
١٦. حاشية نقد الرجال.
١٧. الحواشي الضافية و الموازين الوافية، حواش على نهج البلاغة.
١٨. حلّ مشكلات العلوم.
١٩. رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار.
٢٠. زهر الربيع.
٢١. شرح الصحيفة الكاملة.
٢٢. شرح عقائد الصدوق.
٢٣. شرح عينية ابن سينا.
٢٤. شرح الفوائد الضيائية.
٢٥. شرح ملحقات الصحيفة.
٢٦. شرح منهاج الصواب.
٢٧. شرح نهج الصواب إلى علم الإعراب في النحو.
٢٨. طريق السالك في توضيح المسالك في النحو.
٢٩. عقود المرجان في تفسير القرآن.
٣٠. الغاية القصوى في النحو.
٣١. غاية المرام في شرح تهذيب الأحكام.





٣٢. الفوائد في النحو.
  ٣٣. الفوائد النعمانية في الحديث.
  ٣٤. الفوائد النعمية في النحو.
  ٣٥. قاطع اللجاج في شرح الاحتجاج للطبرسي.
  ٣٦. كشف الأسرار في شرح الاستبصار.
  ٣٧. لوامع الأنوار في شرح عيون الأخبار.
  ٣٨. مسكن الشجون في وجوب الفرار من الطاعون.
  ٣٩. مشكلات المسائل في النحو.
  ٤٠. مفتاح اللبيب في شرح التهذيب في النحو.
  ٤١. مقامات النجاة في شرح الأسماء الحسنى.
  ٤٢. مقصود الأنام في شرح تهذيب الأحكام.
  ٤٣. مناهج المطالب في النحو.
  ٤٤. منبع الحياة في اعتبار قول المجتهدين من الأموات.
  ٤٥. منتهى المطلب في النحو.
  ٤٦. منهاج الصواب إلى علم الإعراب في النحو.
  ٤٧. منهاج المبتدي في النحو.
  ٤٨. نزهة الإخوان و تحفة الخلان.
  ٤٩. نوادر الأخبار.
  ٥٠. نهج الصواب في علم الإعراب.
  ٥١. نهج اليقين في النحو.
  ٥٢. نور الأنوار في شرح كلام خير الأخيار.
  ٥٣. النور المبين في قصص الأنبياء والمرسلين.
  ٥٤. هدية المؤمنين في الفقه.
- در ضمن، كتاب «نابغه فقه و حديث» نوشته نواذه دانشمند و كتابشناس سيد نعمت الله جزايرى، مرحوم سيد محمد جزايرى، به شرح حال مبسوط و معرفى

مفصل آثار او اختصاص یافته است. (چاپ اصفهان، حسینیه عمادزاده، ۱۳۵۳ ش)

### ۳. روش مؤلف

در شرح روش مرحوم جزایری در تفسیر عقودالمرجان، نخست بدانچه مصححان این اثر به اجمال، یاد کرده‌اند، توجه می‌کنیم و سپس مواردی را که از مطالعه این کتاب به دست می‌آید، همراه با شواهد مربوطه می‌آوریم.

۱. از قرائن پر شمار، آشکار می‌شود که بیشتر آنچه در این کتاب گرد آمده، به دست مؤلف آن بوده است. مطالبی نیز یافت می‌شود که گردآورندگان آنها کسانی جز مؤلف‌اند که ممکن است به دستور مؤلف یا پس از درگذشت او، بدین کار دست یازیده باشند. نام این کسان چنین است: حسن الموسوی، عصام، سعدالدین، محمدعلی و...

۲. مطالب و روایاتی که در این اثر آمده، گاه، تلخیص و گاه، عباراتی بر آنها افزوده و گاه مضمون آنها نگاشته شده و گاه، مطالب پراکنده در عبارتی واحد، آمده است. از همین روست که مطالب بسیاری از این تفسیر و روایات منقول در آن، با مصادر آنها مطابق و سازگار نیست.

۳. تلخیصات و زیادات در مواردی، ابهام و غلط و افتادگی در مطالب پدید آورده‌اند که ما عند اللزوم، آنها را تصحیح کرده‌ایم.

۴. مرحوم مؤلف در نقل روایات، فراوان از تفسیر نورالثقلین اثر عبدعلی حویزی بهره برده و در تفسیر آیات الاحکام، از کتاب مسالك الألفهام إلى آیات الأحكام اثر فاضل جواد استفاده و در برخی موارد، جملات این کتاب را عیناً نقل کرده است. (۳: ج ۱، ص ۲۷)

باری، مؤلف عقودالمرجان در تفسیر خود در همه سوره‌ها، نخست درباره فضیلت آن سوره و خواص و ثواب تلاوت آن، احادیثی را از معصومان عليهم السلام نقل می‌کند و سپس به بررسی تک تک آیات آن سوره می‌پردازد و گاه، آیات هم موضوع







را به شکل پشت سرهم تفسیر می‌کند. وی تا جای ممکن، در تبیین آیات، از روایات بهره می‌برد و در موارد لزوم، به نکات لغوی و صرفی و نحوی می‌پردازد. مرحوم جزایری در بیان نکات ادبی، از تفاسیری چون مجمع‌البیان شیخ طبرسی، الکشاف زمخشری، أنوارالتنزیل بیضاوی و غرائب القرآن و رغائب الفرقان نیشابوری استفاده می‌کند. او همچنین از یادکرد اختلاف قرائات، شأن نزولها و قضایای تاریخی پیرامون آیات، غفلت نمی‌کند و در بررسی آیات الاحکام، دیدگاههای فقهی شیعه و اهل سنت را یادآور می‌شود. ایشان همچنین فوائد و فرائدی را که زائده ذهن و اندیشه خود اوست، به خوانندگان تقدیم می‌کند.

برای نمونه، مرحوم جزایری در تفسیر آیه «مالك يوم الدين» می‌نویسد:

قرأ عاصم و الكسائي و خلف و يعقوب: «مالك» بالألف، و الباقون: «ملك» بغير ألف. (ج ۱، ص ۸؛ ج ۱، ص ۹۷) و ذكر المفسرون في ترجيح كل من القراءتين وجوهاً كثيرة. و الظاهر أن ملكه سبحانه و مالكيته متلازمان. و الوارد في الأخبار لفظ مالك و به ترجیح قراءة الألف. (ج ۱، ص ۳۳)

می‌نگرید که وی پس از یادکرد اختلاف قرائت در آیه مذکور، وجه مرجح را بر اساس لغت و احادیث، ذکر کرده است. اینک موردی مشابه در تفسیر آیه «اهدنا الصراط المستقیم»:

«الصرط». بإشمام الصاد هاهنا و في جميع القرآن حمزة. و عن يعقوب بالسين كل القرآن. و عن الكسائي بإشمام السين كل القرآن. (ج ۱، ص ۴۸) و الباقون بالصاد. و الأصل في الصراط هو السين، مشتق من السراط - و هو البلع - لأن الطريق يسرط المارة؛ أي: يبلعها. و الموجود في الأخبار هو الصاد، فيترجح به قراءة لها. (ج ۱، ص ۳۴)

نویسنده عقود المرجان حتی در تعیین وجه کاربرد «ذلك» در آیه «ذلك الكتاب لا

ریب فيه» (البقرة (۲) / ۲) به درستی، از احادیث استفاده کرده است. بنگرید:  
 في كتاب معاني الأخبار عن العسكري عليه السلام أنه قال: كذبت قريش و اليهود  
 بالقرآن و قالوا: سحر مبين تقوله. فقال الله تعالى: «الم ذلك الكتاب»؛ أي:  
 هو الذي أخبرت به موسى فمن بعده من الأنبياء فأخبروا بني إسرائيل أنني  
 سأنزله عليك - يا محمد - كتاباً عزيزاً لا يأتيه الباطل من بين يديه و لا من  
 خلفه. «لا ريب فيه»: لا شك فيه لظهوره عندهم، كما أخبرهم أنبياءهم أن  
 محمداً عليه السلام يأتي بكتاب بالحروف المقطعة افتتاح بعض سوره تحفظه أمته  
 فيقرؤونه على جميع الأحوال و يقرنون بمحمد عليه السلام وصيه علي بن  
 أبي طالب عليه السلام. (۶: ص ۲۴)

أقول: فعلى هذا يكون الإشارة إلى البعيد ظاهرة. (۳: ج ۱، ۳۷)  
 سيد جزایری از یادکرد لطائف و ظرائف موجود در آیات نیز غفلت نکرده است.  
 برای نمونه، وی درباره اینک که چرا در آیه و إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا. (البقرة  
 (۲) / ۲۳) واژه «عبد» به کار رفته است، می نویسد:

و روى الشيخ عليه السلام في المصباح قال: قال الصادق عليه السلام: حروف العبد ثلاثة:  
 العين و الباء و الدال. فالعين علمه بالله تعالى. و الباء بونه عما سواه. و  
 الدال دنوه من الله بلا كيف و لا حجاب. (۱۲: ص ۵۴۱. و ما ورد في المتن: «و  
 روى الشيخ ...» خطأ.) أقول: ذكر المحققون أن صفة العبودية فوق صفة  
 الرسالة و النبوة. و ذلك أنها حالة رابطة بينه و بين مولاه لا تعلق لها  
 بالخلق، بخلاف الرسالة؛ فإن لها نسبة إلى المرسل إليهم. و من ثم قال في  
 مقام الثناء عليه: «سبحان الذي أسرى بعبده». (۳: ج ۱، ص ۴۹ - ۵۰)

مفسر جزایری گاه ذیل یک آیه، به داوری میان اخباریان و مجتهدان نیز پرداخته  
 است. مثلاً وی ذیل آیه ۲۹ سوره بقره می نویسد:

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: «الذي خلق لكم ما في الأرض جميعاً لتعتبروا

و لتتوصلوا به إلى رضوانه و تتوقّوا به عذاب نيرانه. فخلق لكم كل ما في الأرض لمصالحكم. (۵: ج ۲، ص ۱۲، ح ۲۹) كذا في عيون الأخبار. و المفسّرون أضافوا إلى هذا المعنى الانتفاع الدنيوي للأبدان. و استدلّوا بها على أنّ الأصل في الأشياء الإباحة حتّى يظهر الدليل المخرج له. و أمّا المحدثون من علمائنا، حيث ذهبوا إلى أنّ ما ورد في الأخبار من أنّ الله تعالى في كلّ شيء من الأشياء حكماً خاصّاً فإن بلغ إلينا و إلّا فالتوقّف واجب، خصّوا هذه الآية بالمعنى الأوّل المذكور في الخبر.

أقول: آخر الخبر فيه دلالة على قول المجتهدين أيضاً. فلعلّه الأقوى و الأظهر. (۳: ج ۱، ص ۵۶ - ۵۷)

مرحوم سيّد نعمت الله گاه پس از نقل اقوال مفسّران ذیل آیه، به نقد و بررسی آنها می پردازد. برای نمونه، وی پس از نقل سخن شیخ طبرسی ذیل آیه ۵۷ سوره آل عمران می نویسد:

«وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ». «فِيُوَفِّيهِمْ». قرأ حفص بالياء، و الباقر بالنون. أي: يتمّ جزاء أعمالهم. و فيه حجة على من قال بالإحباط. لأنّه عزّوجلّ وعد بتوفية الأجر و هو الثواب، و التوفية منافية للإحباط. (۸: ج ۲، ص ۷۶۰ - ۷۶۱)

أقول: الأخبار الواردة بالإحباط مستفيضة على ما لا يخفى على الممارس. نعم؛ هي بمعنى الموازنة و إبقاء الزائد؛ - كما ذهب إليه طائفة من المتكلّمين - لا بمعنى الإحباط المتأخّر للمتقدّم كيف كان، لما يلزم من الظلم. و على ما من الموازنة يكون قد وفي جميع أموره لأنّ الزائد قد بقي له و الساقط بموازنته قد وفاه أيضاً. إذ لو لم ينتفع به إسقاط الذنوب، لبقيت عليه تبعاتها، فهو قدرأى خير ما عمل و شرّ ما عمل. (۳: ج ۱، ص ۳۱۸ - ۳۱۹)

وی در جایی دیگر به شدت، از سخن بیضاوی در مورد حضرت مریم علیها السلام انتقاد می‌کند:

«فتمثل لها بشراً سوياً». (مریم (۱۹) / ۱۷) أتاها جبرئیل متمثلاً بصورة شابّ أمرد سويّ الخلق لتستأنس بكلامه. و لعله لتهييج شهوتها فتتحدر نطفها إلى رحمها. (۱: ج ۲، ص ۲۸) أقول: هذا كلام من قاس حال البتول مریم علی بنات نفسه حتى صدرت منه هذه الهفوة. (۳: ج ۳، ص ۱۹۵ - ۱۹۶) مرحوم جزایری گاه نتیجه تدبّر خود را از آیه نیز به مخاطب، عرضه می‌کند. بنگرید:

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ». (المائدة (۵) / ۴) أقول: من تدبّر في معنى هذه الآية، يظهر له سرّ غريب؛ وهو أنّ الله عزّ شأنه لم يرض للكلب إلّا بتعليم العلم الإلهي الذي أوحاه إلى أنبيائه، فكيف رضي الحكماء و الطبيعيون أن يعلموا الإنسان الذي هو أشرف المخلوقات العلم الذي اخترعوه بأوهامهم من غير وحي ولا تعلم نبيّ و الإمام من أئمة الدين؟ ما هذا إلّا إحداد في الدين. (۳: ج ۱، ص ۵۶۲)

وی در جایی دیگر نیز فیلسوفان و اقوال آنان را به چالش کشیده است. بنگرید:

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا». (الإسراء (۱۷) / ۸۵) و في كتاب الاحتجاج عن أبي عبد الله عليه السلام: الروح جسم رقيق قد ألبس قالباً كثيفاً. (۸: ص ۳۴۹) أقول: وفيه دلالة على عدم تجرّد الروح. وقد رجّحناه في شرحنا على التهذيب والاستبصار وأكثرنا من الدلائل عليه. (۳: ج ۳، ص ۱۱۶)

سید جزایری همچنين در آیاتی که ناظر به مباحث کلامی و اعتقادی است، پس از نقل اقوال گوناگون ذیل آیه، قول مختار شیعه را بر اساس مدارک و شواهد متقن،



نقل و از آن دفاع می‌کند. یکی از این آیات، آیه اکمال است. بنگرید:

«اليوم أكملت». روي: أنه لما نزلت: «اليوم أكملت» فرح الصحابة و أظهروا السرور إلا أكابرهم كأبي بكر الصديق و غيره، فإنهم حزنوا و قالوا: ليس بعد الإكمال إلا النقص و الزوال. و كان كما ظنوا. فإنه ﷺ لم يعمر بعدها إلا إحدى و ثمانين يوماً و لم يحصل في الشريعة بعدها زيادة و لا نقصان. قال العلماء: كان ذلك جار مجرى إخبار النبي ﷺ عن قرب وفاته. و ذلك إخبار بالغيب، فيكون معجزاً. (١٣: ج ٦، ص ٥٥) أقول: ما نقله هذا الفاضل عن حزن أبي بكر و أمثاله لا لما قاله، بل له وجه آخر لا يخفى على اللبيب.

«اليوم». بالطرق المستفيضة الصحيحة عن الباقر ﷺ قال: كانت الفريضة تنزل بعد الفريضة... الأخرى، و كانت الولاية آخر الفرائض. فأنزل الله: «اليوم» - الآية. يقول الله: لا أنزل بعدها فريضة. (١١: ج ١، ص ٢٨٩، ح ٤) أقول: أطبق أهل البيت ﷺ و علماء مذهبهم و جمهور مخالفهم على نزول هذه الآية في حكاية غدير خمّ لما أمر الله نبيه ﷺ أن ينصب أمير المؤمنين ﷺ علماً للناس و خليفة من بعده. و حكى السيد ابن طاووس أنهم - أي الجمهور - رووا حديث غدير خمّ و تفاصيله ممّا يقرب من خمسمائة طريق إلا أنّهم طوّلوا عليه لسان التأويل.

«اليوم». فيه أقوال. أحدها: أكملت لكم فرائضكم و حلالي و حرامي، فلا زيادة و لا نقصان بالنسخ. و كان يوم عرفة عام حجّة الوداع. عن ابن عباس و جماعة. و مات بعد الآية بإحدى و ثمانين ليلة. و أمّا وصف الدين بالكمال، مع أنه لا نقصان فيه أبداً، فهو أنه كان قبل ذلك معرضاً للنسخ و الزيادة فيه و نزول الوحي بالتحريم و التحليل، فوصفه بالكمال من قبيل وصف العشرة بأنّها كاملة و إن كانت المائة أكمل منها. و ثانيها: أكملت لكم حجّكم و أفردتكم بالبلد الحرام تحجّونه دون المشركين. و اختاره

الطبرسي لأنّ الله أنزل بعده: «يستفتونك» - الآية. قال الفراء، و هي آخر آية نزلت. و ثالثها: ما روي عن الإمامين أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام أنّها نزلت في غدير خمّ بعد منصرفه من حجّة الوداع لَمَّا نصّ على أمير المؤمنين عليه السلام بالخلافة فقال: من كنت مولاه، فعليّ مولاه. (۸: ج ۳، ص ۲۴۵ - ۲۴۶؛ ج ۳: ۱، ص ۵۵۹ - ۵۶۰)

### فهرست منابع

۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر بن محمد. أنوار التنزیل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. جزایری، سیّد نعمت‌الله. الأنوار النعمانیة. تصحیح و تحقیق: سیّد هادی بنی‌هاشمی و محمدباقر کتابچی. تعلیقات: محمدعلی قاضی طباطبایی. تهران: شرکت چاپ.
۳. \_\_\_\_\_ . عقودالمرجان لحواشی القرآن. تحقیق و تصحیح: مؤسسه شمس الضحی. (چاپ نشده)
۴. زمخشری، جارالله محمود بن عمر. الکشاف. قم: ادب‌الحوزه.
۵. صدوق، محمد بن علی بن موسی بن بابویه. عیون أخبار الرضا عليه السلام. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۶. \_\_\_\_\_ . معانی الأخبار. تحقیق: علی اکبر غفّاری. قم: جامعه مدرّسین.
۷. طبرسی، الفضل بن الحسن. مجمع البیان. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۸. طبرسی، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن. الاحتجاج. تحقیق: حسن خراسان. مشهد: مطبعة سعید.
۹. طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی التفسیر القرآن. ۱۰ ج، نجف: المطبعة العلمیة، ۱۳۷۶ق.
۱۰. قمی، عباس. الکنی و الألقاب. تقدیم: محمد هادی امینی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن إسحاق. الکافی. تحقیق: علی اکبر غفّاری تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۲. \_\_\_\_\_ . مصباح الشریعة. منسوب به امام صادق عليه السلام. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۱۳. نیشابوری، حسن بن محمد بن الحسن. غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دارالکتب العلمیة.